

عزت آهنگر

صد حادثه پرسش

نرگس آورده ام و چشم تو یادم آمد
دل به طوفان زده ام خشم تو یادم آمد
چشم نرگس، نه چشمان سحر بارت بود
خنده غنچه، نه لبخند گهربارت بود
دل من بسته به زنجیر وفای تو شده
رخ گل دیدن باغ راز نگاه تو شده
لاله زاران چوروم لاله رخ یار شود
سوی گلزار روم خسته، دل افکار شود
لاله رنگین بنمایاند اینجا رخ خویش
هریک از رنگ رخس چهره دلدار شود
صف ایستاده سرو و قد شمشاد چنار
در مسیر هدفم شاهد و بیدار شود
نتوانم که برم لذت دیدار چمن
خسته حادثه از گلشنم بیزار شود
آخ این درد روانگاه چه سوزش دارد
قصه مرگ تو صد حادثه پرسش دارد؟؟؟؟
